

## تبیین تاریخی پیدایش بسیج در ایران با تأکید بر نقش بسیج در انقلاب کبیر اسلامی ایران

محمدشستا بدرا<sup>۱</sup>

### چکیده

بسیج عمومی مردم اشاره به گردهم آمدن مجموعه‌ای از انسان‌ها حول محور و هدفی خاص است، که در هر کشوری و با هر آیین و مسلکی می‌تواند مشاهده شود. بسیج در تاریخ کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، به این معنا که در تمام ادوار تاریخی وجود داشته است؛ اما در دوره انقلاب کبیر اسلامی به شکلی بسط یافته و ماهوی، شکل پیدا کرد. بدیهی است که به واسطه درگیری نوع حرکت بسیج مردمی بر مدار تفکر رهبران انقلابی، در انقلاب کبیر اسلامی شکل حرکت توده مردم از نضج و اتقان لازم برخوردار شد، و به طور کلی هر انقلابی لازم‌آش بهره‌گیری از بسیج مردمی است؛ آرمانی که بسیاری در رسیدن به آن سطح از همدلی و همراهی تا رسیدن به خواسته تحقق یافته آن، ناتوان ماندند. تاریخ این سرزمین متمدن، از شیخ فضل‌الله نوری، میرزا کوچک‌خان جنگلی و رئیسعلی دلواری تنها به عنوان محدود کسانی که در راه بسیج همگانی توده مردم - در عصر معاصر - علیه استبداد طبقه حاکمه به پا خواستند، نام می‌برد. گروهی که در عین ایستادگی‌های فراوان خود، به تحقق آرمان اصلی نرسیدند، و البته زمینه‌سازان بزرگ آینده‌ای روشن بودند. با توجه به رویکرد بالا، در این مقاله به دنبال تبیین تسری مفهوم بسیج در درازنای تاریخ بشری بودیم. با توجه به این هدف، با تقسیم ادواری تاریخ به پنج دوره مختلف، از بسیج و ماده‌ها، بسیج و هخامنشیان، در قبل از اسلام، تا بسیج و صفویان، بسیج و مشروطه و در نهایت بسیج و انقلاب کبیر اسلامی پرداختیم. یافته‌های مقاله که مبتنی بر رویکردی تحلیلی بود، مبین ارائه مدعایی بود، که اشاره به این داشت، که پیدایش بسیج به دوره ابتدایی زندگی جمعی انسان‌ها می‌رسد، و این که بسیج مفهومی مستحدثه در دوره چند دهه‌ای انقلاب کبیر اسلامی نیست، هر چند در همین دوره و به ویژه در دوران دفاع مقدس، مفهوم بسیج به بهترین نحو از انحاء ممکن، تعبیر و تفهیم شد.

**واژه‌گان کلیدی:** تاریخ، بسیج، ایران، انقلاب کبیر اسلامی ایران.

۱- دانش‌پژوه دکتری مدیریت دولتی - گرایش رفتار سازمانی و پژوهشگر جامعه‌المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)  
shetabadra14@gmail.com

## مقدمه

از پس از تحقق انقلاب کبیر اسلامی (۱۹۷۹م-۱۳۵۷ش) و به حسب همدلی و همیاری، که در دوران یک دهه‌ای دفاع مقدس به وقوع پیوست،<sup>۱</sup> و هم‌چنین ضعف ایدئولوژیکی<sup>۲</sup> و عدم شناخت رهبر کارزمایی<sup>۳</sup>، که در سطح عام وجود داشت، بر شکل‌گیری نهادی حرکت، اثر خزنده‌ای داشت؛ به خصوص پس از جنگ تحمیلی، به سبب گونه‌هایی از انحصارطلبی‌های هدفمند؛ حتی از جانب کسانی که خود از پایه‌گذاران انقلاب اسلامی بودند، سوء استفاده‌هایی صورت گرفت.

یکی از موارد سوء استفاده‌ها، تلاش در جهت القای بسیج در قالب گروهی با تفکرات افراطی، تک‌نگر و در یک کلمه سوء استفاده‌گر بود. بنابراین، اولاً بسیج، واژه‌ای همگانی و مختص به تمام مردمی است که در هر کشوری برای آرمان و اصول خود هم‌قدم شوند؛ و دوم آن‌که بسیج تعریف شده تمام معنای بسیج واقعی نیست، که این مطلب نیازمند کنکاش در موضوع مورد مذاقه است.

دکتر شعبانی بسیج عمومی مردم، در تاریخ طولانی تمدنی را این‌گونه بیان می‌کند: به گواهی تاریخ، ایرانیان مردمی زجر دیده و مقاوم و پرامتقانتند، و حوادث نامطلوب بی-شمار، راه‌های ماندگاری را نیک بر آنان آموخته است. نحوه ایستادگی ایرانیان در برابر قوای بیگانه و یا نیروهای مخرب داخلی را می‌توان به دو صورت مبارزه‌های فرهنگی و تلاش‌های سازمان‌یافته اجتماعی متوازن تقسیم کرد. (شعبانی، ۱۳۸۷)

---

۱. نکته: البته قبل از انقلاب و به فاصله سال‌های ۵۶-۱۳۴۲ نیز حرکت مردم در جهت یک آرمان مشخص، به نیروی بسیج همگانی متکی بود.

2. Ideological

3. Leader Charisma

از دل این حقیقت می‌توان پی به مبنای اتحاد و تفکر گروه‌مایی مردم در درازنای تاریخ و فلسفه این بسیج عمومی<sup>۱</sup> رسید. پرسش اساسی که مقاله حاضر در صدد پاسخ به آن است؛ دلایل اثبات مدعای مقاله است، این‌که:

- چگونه بسیج بالمعنی الاعم به موازات تاریخ اجتماعات بشری باز می‌گردد؟

با بیان توضیحات بالا در ادامه، پس از بیانی مجمل از مفهوم بسیج بالمعنی الاعم، به تبیین مدعای دنبال شده با بررسی پنج دوره مختلف تاریخی، شامل مادها، هخامنشیان، صفویان، مشروطه و انقلاب کبیر اسلامی پرداخته می‌شود.

فلسفه انتخاب این پنج دوره نمونه به عنوان مطالعه موردی، مطابق مبنای زیر است:

جهت تبیین موضوع، نیازمند اثبات اسناد تاریخی نقش بسیج در تاریخ هستیم، که برای اتقان موضوع، حکومت پس از مادها را انتخاب کردیم.

از آن‌جا که نقش تاریخی بسیج با بیان دوره‌های اول (مادها) و دوم (هخامنشیان)- متوالیاً- مشخص می‌شود، جهت جلوگیری از اطاله کلام و انحراف موضوع، از دوره میانه، حکومت صفوی را انتخاب کردیم، لذا دو دوره پادشاهی قبل از اسلام، و یک دوره بعد از اسلام انتخاب شد، که به نوعی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای<sup>۲</sup> بهره جستیم.

در ادامه نیز به بیان دو دوره سرنوشت‌سازی پرداختیم (مشروطه و انقلاب کبیر اسلامی)، که در آن‌ها نقش بسیج مردمی به معنای حقیقی کلمه نمود عینی یافته بود.

1. Mobilization

2. Cluster Sampling Method

## مفهوم بسیج

بسیج از آغاز تشکیل اجتماعات بشری، به عنوان مجموعه‌ای متشکل از توده‌های مردمی<sup>۱</sup> مطمح نظر بوده است. این که مفهوم بسیج بالمعنی الاعم چیست؛ و دیگر آن که مفهومی که از معنای ماهوی این کلمه متشکل به کار می‌رود، چیست؛ نیازمند بیان پاره‌ای تعاریف و جمع‌بندی کلی است.

تذکر این مطلب لازم است، که در روشی متفاوت- در ابتدای متن پژوهش- تعریفی اجمالی از مفهوم بسیج ارائه شد، تعریفی که مبنای مفهومی تعریف بسیج در معنای عام است.

امام خمینی<sup>۱</sup> - بنیان‌گذار انقلاب کبیر اسلامی ایران- موضوع بسیج بالمعنی الاعم را در جریان تاریخ اسلام، به صدر اسلام تحویل می‌برد، به این نحو که قضیه بسیج، همان مسئله- ای است که در صدر اسلام بوده است. این مسئله، جدید نیست، در اسلام سابقه داشته است. (امام خمینی، ۱۳۶۴: ج ۱۹)

همان‌طور که اشاره شد، مفهوم بسیج به ابتدای تاریخ اجتماع توده‌ها<sup>۲</sup> بر می‌گردد، زمانی که در مقابل گروه‌هایی که قصد تعرض به تمامیت ارضی، خانواده و منطقه تحت حفاظت آنها را داشتند، به مقاومت و بلکه مبارزه با گروه متخاصم<sup>۱</sup> بر می‌خواستند.

---

<sup>۱</sup> - توده یا توده‌های مردمی (Masses)؛ در این جا به مثابه جامعه توده‌وار کمونیستی در مقابل جریان لیبرال نیست. در این پژوهش، توده به معنای گروهی متشکل از همه تفکراتی است، که برای انجام هدف و کار خاصی گردهم می‌آیند. مطابق این پیش‌فرض، روشن شد که منظور از توده، رویکرد توده‌ای بالامعنی الخاص نیست.

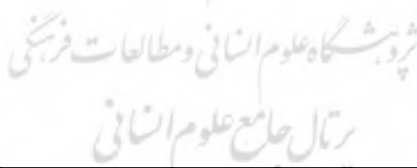
<sup>۲</sup> - هرگاه در متن پژوهش به بسیج توده‌ای اشاره کرده‌ایم، توده‌ای به معنای اجتماعی از مردم، در راستای هدفی مشترک مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های الهی است. لذا جامعه توده‌ای (Mass Society) در مقابل جامعه مدنی (Civil Society) قرار دارد، که مبتنی بر نظریه عقلانیت خودبنیاد است. بنابراین، حرکت توده‌ای از لوازم جامعه رو به گذر تا آستانه گذار منطقی و صحیح به اصول و ارزش‌های انسانی- الهی است. بدیهی است در جامعه‌ای الهی که یک جامعه

این که این مبارزه و این تقابل چگونه خواهد بود، در ادامه گفته می‌شود که امری چند لایه است؛ لذا مفهوم بسیج صرفاً در شکل توده‌ها برای مقابله نظامی با گروه متخاصم، یا به جوامع دین‌مدار محدود نمی‌شود؛ هر چند این تعریف در حالت بدوی و اولیه آن کارکردی فراگیر داشت.

در مجموع بسیج نیروها در معنای انقلاب به کار می‌رود؛ انقلاب ساختاری، انقلاب علمی و انقلاب فرهنگی. اصل قضیه این است، که بسیج - به معنای حقیقی کلمه - یک پدیده انقلابی است. (امام خامنه‌ای، آذر ۱۳۶۹)

از آنجایی که شکل گروه‌های متخاصم به مرور زمان و با توسعه فناوری‌ها تغییر کرده، بدیهی است مفهوم بسیج توده‌ها نیز متناسب با آن تغییرات، معانی خود را در کارکردهای خود یافته است، لذا این اشکال می‌تواند فرهنگی - اقتصادی - هنری - سیاسی و به خصوص علمی و ... باشد.

در هر تعریفی باید از دو جنبه لغوی و اصطلاحی به موضوع پرداخت، در ادامه به این دو مورد توجه می‌شود:



عقلانیت‌محور (Community Based Rationality) است، توده‌های مردمی نقش راهنما و راه‌بلد را دارند، که منزل و مقصود را شناخته‌اند.

۱- گروه‌های متخاصم (Hostile Groups)؛ گروه‌ها و جریاناتی است، که با اهداف خاص و متنوع به تدوین برنامه‌هایی می‌پردازند که در مقابل، منجر به تشکیل توده‌های مختلف در قالب بسیج توده‌ها برای مقابله با آن برنامه‌ها می‌شود. تعبیر مختلفی می‌توان برای این گروه‌ها استفاده کرد، که با نیل به علمی بودن رویکرد این پژوهش، گروه متخاصم به این سبب مطرح می‌شود، که هر آن دسته و جریانی که با نیت دشمنی ذاتی، اکتسابی، مغرضانه یا از روی غفلت، و به طور کلی با هدف تقابل علنی شکل گرفته باشد.

## أ. از نظر لغوی:

بسیج به لحاظ لغوی به معنای سامان و اسباب‌ساز، و سازمان جنگ آمده است. هم‌چنین در معنای عزم و اراده، آماده سفر شدن و آماده ساختن نیروهای نظامی یک کشور برای جنگ به کار برده شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲)

## ب. از نظر اصطلاحی:

بسیج از طرفی به معنای حرکت خودجوش مردمی است، مردمی که خودشان را صاحب مملکت خویش می‌دانند، مردمی که اولاً از هر گونه انحراف در مشی کلی کشورشان آگاه می‌شوند؛ ثانیاً از آن رنج می‌برند؛ و ثالثاً در مقابل آن انحراف می‌ایستند. این، معنای بسیج است. (امام خامنه‌ای، آذر ۱۳۷۴)

بنابراین مفهوم بسیج در لغت به مفهوم سازمان دادن نیروها و گردهم آمدن است؛ و از نظر اصطلاح، مجموعه تلاشی‌هایی است که در مقابله با جریان‌های نفی‌گرا یا موجب آزار، صورت می‌پذیرد. همان‌طور که اشاره شد، شکل مقابله و بسیج نیروها نیز بسته به مقتضیات زمان و لوازم در اختیار، بر می‌گردد.

## بسیج در آینه تاریخ ایران

همان‌طور که بیان شد، فرض مدعای پژوهش - به لحاظ منطقی - مطابق گزاره زیر است:  
- بسیج، قدمتی به درازای تاریخ بشری دارد.

بنابراین، از زمانی که زندگی جمعی شکل گرفت، بسیج نیز به عنوان ضرورتی انکارناپذیر مطرح شد. دلایل این مدعا نیازمند مباحث فلسفی و فلسفه روان‌شناسی<sup>۱</sup> خاص

1. Philosophy of Psychology

خود است، که در فضای عقلانیت دینی<sup>۱</sup> باید بررسی شود؛ اما با نیل به مبنای تاریخی پژوهش حاضر، به توضیح تاریخ پیدایی بسیج در پنج دوره زیر خواهیم پرداخت؛ چرا که هدف تحقیق تاریخی، به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های مرتبط با رویدادهای گذشته، و تفسیر آن‌هاست. (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۸)

۱- مادها؛ به مثابه گروهی که به تشکیل اولین دولت رسمی مرکزی نژاد آریایی پرداختند؛  
۲- هخامنشیان؛ حکومت مقتدری که سیطره نفوذ خود را با بهره‌گیری از بسیج توده‌ها تا مدت مدیدی ادامه دادند؛

۳- صفویان؛ حکومتی که در دوره اقتدار آن، که همراه با توجه و تأکید توأمان بر علم-آموزی و تکریم علما بود، بسیج مردم نقشی ممتاز داشت؛

۴- جریان مشروطه؛ به مثابه جریانی در تاریخ معاصر ایران، که بسیج مردم در تداوم آن نقش حد‌آکثری داشت؛

۵- انقلاب کبیر اسلامی؛ به عنوان دوره‌ای که در آن معنای بسیج با تبیین و اجرایی شدن کارکردهای آن، به اوج شناسایی خود رسید.

در لا به لای مباحث نیز سعی می‌شود اشاره‌ای به موضوع فلسفه تاریخ<sup>۲</sup> داشته باشیم.

## ا. بسیج و قوم ماد

مادها؛<sup>۳</sup> قومی ایرانی بودند از تبار آریایی، که در بخش غربی فلات ایران ساکن شدند. ورود آن‌ها به همراه پارس‌ها به این منطقه، حدود هزاره نخست قبل از میلاد تخمین زده می‌شود. (گیرشمن، ۱۳۸۰)<sup>۱</sup>

1. Religious Rationality

2. Philosophy of History

3. (۷۰۸-۵۵۰ قبل از میلاد)<sup>۳</sup>

سرزمین مادها دربرگیرنده بخش غربی فلات ایران بود. پایتخت ماد، هگمتانه-همدان امروزی- بود. آن‌ها در اوایل قرن هفتم قبل از میلاد، اولین دولت ایرانی را تأسیس کردند. پس از حملات شدید و خونین آشوریان به مناطق مادنشین، گروهی از بزرگان ماد گرد رهبری به نام دیاکو<sup>۲</sup> جمع شدند. دولت ماد در سال ۵۵۰ پس از میلاد، به دست کوروش منقرض شد، و سلطنت ایران به پارسی‌ها منتقل گشت.

مادها، روحانیان خود را مُغ<sup>۳</sup> می‌نامیدند، و پیرو مزدیسنا<sup>۴</sup>- دین زرتشتی- بودند. عمده‌ترین ویژگی دولت ماد را می‌توان توفیق در سازماندهی و ایجاد دولتی بزرگ از مجموعه دولت‌ها و اتحادیه‌های طایفه‌ای مستقلی دانست، که با وجود همسانی‌ها و نزدیکی‌ها و پیوندهای چشمگیر فرهنگی، تا آن زمان در یک واحد، با هم پیوند سیاسی- سازمانی نیافته بودند.

۱. ایلامیان یا عیلامی‌ها اقوامی بودند که از هزاره چهارم تا هزاره نخست پیش از میلاد، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب و غرب ایران فرمانروایی داشتند. بر حسب تقسیمات جغرافیای سیاسی امروز، ایلام باستان سرزمین‌های خوزستان، فارس، ایلام و بخش‌هایی از استان‌های بوشهر، کرمان، لرستان و کردستان را شامل می‌شد. (دیاکونوف، ۱۳۴۵) لذا تاریخ تمدن در ایران به پیش از مادها بر می‌گردد.

نخستین آریایی‌هایی که به ایران آمدند، شامل کاسی‌ها (کانتوها- کاشی‌ها)، لولویان و گوتیان بودند. کاسی‌ها تمدنی را پایه‌گذاری کردند، که امروزه آن را به نام تمدن تپه سیلک (Tepe Sialk) می‌شناسیم. لولویان و گوتیان نیز در زاگرس مرکزی اقامت گزیدند، که بعدها با آمدن مادها بخشی از آن‌ها شدند. در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، مهاجرت بزرگ آریاییان به ایران آغاز شد، و سه گروه بزرگ آریایی به ایران آمدند، که هر یک در قسمتی سکنی گزیدند: مادها در شمال غربی ایران، پارس‌ها در قسمت جنوبی، و پارت‌ها در حدود خراسان امروزی. (میخائیلوویچ، ۱۳۴۵)

2. Deyaco (709-675 BC)

3. Magi

4. Zoroastrianism



از این سخن به این نتیجه می‌رسیم، که ایجاد و تداوم حکومت ماد هر چند دیری نپایید، اما با بهره‌گیری سازمان‌یافته از بسیج توده‌ای تحت رهبری واحد دیاکو توانستند به ایجاد دولت مرکزی قدرتمند<sup>۱</sup>، و تشکیل ایران یکپارچه برسند.

از بعد سیاسی نیز، یکی از عوامل عمده پیدایش ماد و سپس دولت، و بالاخره تشکیل پادشاهی ماد را می‌توان در تجاوزگری‌های ویران‌گرانه آشور جستجو کرد.

هرودوت<sup>۲</sup>، اهمیت ویژه‌ای به جنبش ضد آشوری مردم ماد در حدود ۶۷۲ ق.م. به رهبر فرورتیش<sup>۳</sup> داده، و معتقد است: مادها برای احراز آزادی، مبارزه را آغاز، و در این راه به قدری تلاش و سرسختی کردند، که سرانجام توانستند یوغ قیادت آشور را براندازند، و خود را آزاد و مستقل سازند.

آشوری‌ها در آسیا ۵۰۰ سال حکومت کردند، اول مردمی که سر از اطاعت آن‌ها پیچیدند، مادها بودند. اینان برای آزادگی جنگیدند، رشادت‌ها کردند، و از قید بندگی رستند. (به نقل از هرودوت، معطوفی، ۱۳۸۲)

در آن شرایط- زمان ادغام پادشاهی‌ها و دولت‌های کوچک و متوسط در دولت ماد- عامه مردم به طور کلی از استقرار یک قدرت مرکزی توانمند هواداری می‌کردند. بعدها توسط رهبری کوروش و شکستی که بر ایشتوویگو<sup>۴</sup>- آخرین پادشاه ماد- وارد شد، حکومت به دست هخامنشیان رسید. (دیاکونوف، ۱۳۸۰)

1. Strong Central Government

2. Herodotus (484-425 BC)

3. Phraortes (665-633 BC)

4. Astyages

## ب. بسیج و حکومت هخامنشیان

هخامنشیان<sup>۱</sup> به عنوان نخست پادشاهان بومی پارس محسوب می شدند.

هر چند حکومت هخامنشی نیز از سلسله تاریخ شاهنشاهی ایران محسوب می شود، و خوی پادشاهی همواره با روحیه مردم‌داری نمی خواند؛ اما در بعضی از این سلسله پادشاهان، همان حمیت علقه به وطن بسیار پر رنگ و مشهود است. طبیعی است تا قبل از ورود اسلام به ایران، این خوی عشق به وطن، امر نیکی به شمار می رفت، ضمن آن که کشور ایران در طول تاریخ، همواره ایمان به خدا داشته، و هیچ گاه به بت پرستی نپرداخته است.

از جمله این حکومت‌ها یکی همین دوره پادشاهی کوروش<sup>۲</sup> و داریوش هخامنشی<sup>۳</sup> است، که در تاریخ به دوره مجد و جلال ایرانیان یاد شده است. با توجه به تأملاتی که در تاریخ ابتدایی حکومت در ایران به عمل آمد، به این نتیجه رسیدیم، که در تمام دوره‌های تاریخ پادشاهی ایران - چه به صورت واقعی و یا عوام فریبی - تقریباً دین‌داری از اصول اساسی پادشاهان به شمار رفته است.

در دوره‌های ابتدایی حکومت از مآدا تا هخامنشیان و بعدی‌ها - تا قبل از پیدایش اسلام - تبعیت از دین زرتشت، عاملی مهم بوده که در برهه‌هایی شدت و ضعف داشته است. لذا بحث بر سر اثبات این مدعا است، نه بررسی این که این اعتقاد واقعاً اعتقاد بوده، یا امری فریب کارانه از طرف طواغیت وقت بوده است.

دکتر شعبانی در این رابطه می‌نویسد: پس از تشکیل دولت ماد، می‌بینیم که بسیاری از شاهان مادی به عنوان شهریار نیکی، و یا عنوانی که نشان‌دهنده وابستگی آنان به اصول و

۱- (۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد)

۲- (۶۰۰-۵۳۰ قبل از میلاد)

۳- (۵۴۹-۴۸۶ قبل از میلاد)

عقاید زرتشتی و فرهنگ مذهبی است، همانند نام و لقب مشهور خود بر می‌گزینند.  
(شعبانی، ۱۳۸۷)

در این ارتباط و در پیوند جدایی‌ناپذیر پادشاه با دین، فردوسی حکیم این گونه می‌سراید:

چنان دانی که شاهی و پیغمبری

دو گوهر بود در یک انگشتری

نه بی‌تخت شاهی بود این به پای

نه بی‌دین بود شهریاری به جای

(فردوسی، ۱۳۱۴)

جدای از تأیید یا رد این مطلب، به این نتیجه می‌رسیم که همواره و در طول تاریخ پادشاهی ایران، عقبه دینی با پادشاهان همراه بوده است. حال این که نفس حضور پادشاه و طاغوت، ولو دین‌مدار نیز باشد با مبانی دینی ناسازگار است، در جای خود باید بررسی شود؛ اما از این مقوله، یک نکته مهم می‌توان دریافت، و آن، اصل تقیه است، و یا عدم تأکید بر بار معنایی کلمه. لذا می‌بینیم که در وصف امام رضا<sup>۷</sup> نیز گفته می‌شود: السلطان ابالحسن.

به خوبی روشن است که منظور فردوسی حکیم، تأیید پادشاهی و نظام ارباب و رعیتی نبوده است، بلکه او به دنبال تبیین پیوند حاکم با دین،<sup>۱</sup> بوده است. با این نگاه است که روایت منقول نبوی<sup>۹</sup> قابل درک است:

«السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أٰكْرَمَهُ أٰكْرَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ أٰهَانَهُ أٰهَانَهُ اللَّهُ»<sup>۲</sup>؛

سلطان، سایه خدا بر روی زمین است. هر که وی را گرامی دارد، خدایش گرامی دارد؛ و هر که وی را خوار کند، خدایش خوار کند.

1. King Linked to Religion

2- نهج الفصاحه، حدیث ۱۷۷۰.

سلسله این حکومت به دست کوروش کبیر پایه‌گذاری شد، کسی که در اوایل حکومت‌داری خود در سال ۵۳۸ پیش از میلاد، و پس از شکست بابل و تصرف آن سرزمین، برای نخستین بار در تاریخ جهان فرمان داد که، هر کس در باورهای دینی خود و انجام آیین دینی خویش، آزاد است. (منشور حقوق بشر)، و بدین‌سان کورش، قانون سازگاری بین ادیان و باورها را پایه‌گذاری کرد، و نخستین منشور حقوق بشر را بنیان نهاد. از دل این احترام به قوانین بود، که حکومت هخامنشی با بسیج توده‌های عمومی مردم، توانست سال‌ها به بقای حکومت خود بپردازد. برپا شدن شاهنشاهی هخامنشی، دورانی نو در تمدن جهان آغاز کرد.

پیش از ایشان، مغرب آسیا و جنوب شرقی اروپا و شمال آفریقا، جایگاه اقوام گوناگونی بود که تمدن داشتند، و دولت‌هایی بنیان کرده بودند. دنیای آن روزگار بسیار آشفته بود. این کشورهای کوچک پیوسته با هم در جنگ بودند، و امنیتی نبود. هر کس زورش می‌رسید، بر دیگران ستم می‌کرد، و مبنای متحقق، قانون تنازع بقا بود.

در این میان، مادها بر کشور ستمگر آشور پیروز شدند، و قسمتی از دنیای متمدن آن زمان را تحت فرمان خود آوردند؛ اما شاید از این پیروزی و دست یافتن بر اموال بسیار که به غنیمت گرفته بودند، زود سرمست شدند، و به تجمل و خوشگذرانی پرداختند، و این باعث شد که مردم با بسیج توان و امکاناتشان گرد رهبری کوروش بیایند تا حکومت هخامنشی شکل بگیرد.

همان‌طور که گفته شد، با توجه به اهمیتی که این حکومت - به استناد تاریخ - به نقش و حضور مردم و پرداختن به حل مشکلات مردم می‌داد، طبیعی بود که جنبش‌های بسیج‌وار مردم به صورت حرکت در جهت حفظ پایه‌های حکومت هخامنشی پی رود.

در تاریخ این گونه آمده: از همان نخستین روزهایی که خاندان پارسی اداره جهان را به دست گرفت، بر همه آشکار شد که شریف‌ترین و آزاده‌ترین نژاد دنیای کهن بر سر کار آمده است.

حق‌پرستی و مردم‌دوستی و دلیری ایرانیان در برابر کینه‌توزی‌ها و سنگدلی‌های مردم بابل<sup>۱</sup> و آشور<sup>۲</sup> و فنیقیه<sup>۳</sup> چنان درخشید، که چشم همه جهانیان از آن خیره شد. مردم جهان از رنج فراوان آسودند، و دمی به آسایش برآوردند تا آن‌جا که بسیاری از مورخان، دوران شاهنشاهی این خاندان را روزگار آسودگی نام داده‌اند. (برگرفته از تارنمای ناجی)

با عنایت به مطلب بالا، به این نکته می‌رسیم که بسیج توده‌های مردم تا هنگامی که حکومت در راستای نیل به احقاق حقوقشان در مسیر درستی گام برداشت، مردم نیز نیروی توده‌وار و قدرت هماهنگ‌شان را در جهت تأمین پایه‌های حکومت هخامنشی به کار می‌بردند؛ اما بعدها در تاریخ ثبت شد که هنگامی حکومت، فشار را بر مردم افزایش داد، در قالب خراج، و با فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر مردم به دنبال تجمل‌گرایی و خوش‌گذرانی خود بود، مردم تاب تحمل نیاوردند، و همان نیروی بسیج‌وار، هنگامی که کشور زیر چکمه‌های اسکندر مقدونی<sup>۴</sup> قرار گرفت، به واسطه همان فشارهایی که از بازماندگان هخامنشی دیده بودند، آن‌چنان که باید به دفاع از میهن خود برخاستند، لذا کشور به دست بیگانه افتاد.

1. Babel

2. Assyria

3. Fnyqyh

4. Alexander of Macedon (356-323 BC)

## ج. بسیج و حکومت صفویان

صفویان<sup>۱</sup> از سلسله پادشاهی بعد از اسلام هستند، و از مهم‌ترین دوره‌های پادشاهی بعد از اسلام محسوب می‌شوند. در این دوره، هر چند پادشاهان نالایق، زمینه‌های اضمحلال تدریجی این حکومت را فراهم کردند؛ اما دوره شاه عباس اول<sup>۲</sup>، بی‌تردید از دوره‌های قابل‌اعتنای این حکومت به شمار می‌رود. صفویان در عین آن که آذری زبان بودند، عمیقاً خود را ایرانی می‌دانستند، و همواره در مقابل حکومت عثمانی، سدی راسخ بودند. در این دوره بود که تشیع رسمیت یافت، و به عنوان مذهب رسمی دولت و ملت، حاکمیت یافت.<sup>۳</sup> از نقاط عطف دوره صفویان که در بسیج عمومی مردم نیز نقش وافر داشت، احترام و تکریم علما و صاحبان فکر و اندیشه بود، که این موضوع، شدیداً موجب رونق گرفتن و سامان وضعیت آن روز ایرانیان شده بود، و تاکنون اثرات آن باقی است.

در تاریخ این‌گونه آمده: دودمان صفویه توانست از ایران، دوباره ملت-دولت مستقل، خودمحمور، نیرومند و مورد احترام بسازد، که مرزهای آن در زمان پادشاهی شاه عباس اول، برابر مرزهای ساسانیان بود. (غفاری‌فرد، ۱۳۸۱)

<sup>۱</sup>-(۱۱۰۱-۸۸۰ شمسی مصادف با ۱۱۳۵-۹۰۷ قمری)

<sup>۲</sup>-(۹۷۸-۱۰۳۸ قمری)

<sup>۳</sup>- هر چند در دوره‌هایی مثل آل زیار (اولین حکومت شیعی و ملی ایرانیان- پورموسوی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۷)، علویان طبرستان، آل بویه، ادریسیان، حمدانیان، فاطمیان و حتی به یک اعتبار، ایلخانیان مغول، سرداران و قراقویونلوها نیز وزنه قدرت به سمت شیعیان بود؛ و در حکومت صفوی نیز نخستین بار شیعه به عنوان مذهب رسمی یک حکومت متمرکز، معرفی شد؛ اما این‌که منشأ و مبدأ احکام حکومتی کتاب و سنت باشد، روایات ائمه<sup>علیهم‌السلام</sup> باشد، از صدر اسلام- یعنی حالا آن مقداری که صدر اسلام بوده، بعد از آن- تا امروز دیگر سابقه نداشته است. امروز در ایران اولین بار است، که یک چنین حکومتی به وجود می‌آید. معنای اسلام سیاسی این است... یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه. (امام خامنه‌ای، اسفند ۱۳۹۴)

بیان این مطلب لازم است، که ساخت ملت- دولت<sup>۱</sup> از پیش فرض هایش، تحقق بسیج مردمی است؛ به این معنا که تا مردم به روحیه جمعی مشارکت نرسند، و بر سر رسیدن به هدفی مشترک گردهم نیایند، تحقق ملت و دولت مشترک- در مسیر همدلی و همزبانی- ناممکن است.

دکتر فروزان فر در علل انسجام و هماهنگی ملت و دولت در عصر صفویه معتقد است: در دید تاریخ ایران کنونی، دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیاتی است:

۱- ساخت ملتی یگانه با مسئولیتی یگانه در برابر مهاجمان و دشمنان، و نیز در برابر گردن‌کشان و شورشیان بر فرمان‌روایی مرکزی؛

۲- ساخت ملتی دارای آیینی ویژه، که بدان شناخته شده، و برای نگاهبانی از همان آیین، دشواری‌های بزرگ را در برابر یورش‌های دو دولت نیرومند خاوری و باختری تحمل نموده است.

در این مورد، آیین رسمی شیعه دوازده امامی، همان کاری را انجام داد، که اکنون جهان‌بینی‌های سیاسی در ساخت فرمان‌روایی‌ها می‌کنند. (فروزان‌فر، ۱۳۸۳: ج ۴)

با ترکیب آرای اشاره شده و تحلیل ارتباط این وقایع تاریخی با بسیج مردمی- پس از درک ضرورت موجودیت بسیج در عصر صفویه- به این نکته مهم می‌رسیم، که همواره بسیج توده‌ها نیازمند انگیزه و سوق دادن مردم به سمت آن انگیزه‌ها است، که در تاریخ ایران به خوبی آشکار است.

همواره نیروی مذهب و اتصال مردم به نیروی ماورایی، بهترین عامل در بسیج عمومی است. تحقق عینی بسیج عمومی مردم در عصر صفویه، نمونه‌ای از این مدعا است؛ لذا نقش

1. Nation-State

مرجعیت و علمای آن زمان مثل محقق کرکی<sup>۱</sup>، ملا عبدالله بهابادی یزدی<sup>۲</sup>، مقدس اردبیلی<sup>۳</sup>، شیخ الاسلام (شیخ بهایی)<sup>۴</sup>، قاضی نورالله شوشتری<sup>۵</sup>، میرعماد حسنی قزوینی<sup>۶</sup>، میرداماد<sup>۷</sup>، میرفندرسکی<sup>۸</sup>، احمد علوی عاملی<sup>۹</sup>، عبدالرزاق لاهیجی<sup>۱۰</sup>، علامه مجلسی پدر<sup>۱۱</sup> و پسر<sup>۱۲</sup>، ملا محسن فیض کاشانی<sup>۱۳</sup>، محقق خوانساری<sup>۱۴</sup>، علامه میرزا محمد شیروانی<sup>۱۵</sup>، شیخ حر عاملی<sup>۱۶</sup>، قاضی سعید قمی<sup>۱۷</sup>، سید نعمت‌الله جزایری<sup>۱۸</sup>، قطب‌الدین شریف اشکوری لاهیجی<sup>۱۹</sup>، سید صدرالدین رضوی قمی<sup>۲۰</sup>، شیخ جعفر قاضی<sup>۱</sup>، وحید بهبهانی<sup>۲</sup> و البته در

۱- (متوفی ۹۴۰ قمری)

۲- (متوفی ۹۸۱ قمری)

۳- (متوفی ۹۹۳ قمری)

۴- (۹۵۳-۱۰۳۰ قمری)

۵- (۹۵۶-۱۰۱۹ قمری)

۶- (۹۶۱-۱۰۲۴ قمری)

۷- (۹۶۹-۱۰۴۰ قمری)

۸- (۹۷۰-۱۰۵۰ قمری)

۹- (متوفی ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ قمری)

۱۰- (متوفی ۱۰۷۲ قمری)

۱۱- (۱۰۰۳-۱۰۷۰ قمری)

۱۲- محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ قمری)

۱۳- (۱۰۰۷-۱۰۹۰ قمری)

۱۴- (۱۰۱۶-۱۰۹۹ قمری)

۱۵- (۱۰۳۳-۱۰۹۸ قمری)

۱۶- (۱۰۳۳-۱۱۰۴ قمری)

۱۷- (۱۰۴۹-۱۱۰۳ قمری)

۱۸- (۱۰۵۰-۱۱۱۲ قمری)

۱۹- (متوفی ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۵ قمری)

۲۰- (متوفی ۱۰۹۵ قمری)





رأس همه صدرالمآلهین شیرازی (ملاصدرا)<sup>۳</sup> - به خوبی - به عنوان جهت‌دهندگان و هادیان حرکت مردم به سمت بسیج عمومی آشکار می‌شود. این نقش مرجعیت توأم با آزادی عملی بود، که عمدتاً توسط شاه عباس ایجاد شده بود. او خود را «کلب آستان علی» می‌نامید.

#### د. بسیج و جنبش مشروطه

جنبش مشروطه<sup>۴</sup> مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی است، که در زمان حکومت مظفرالدین شاه قاجار<sup>۵</sup>، و سپس در دوره محمدعلی شاه قاجار<sup>۶</sup> برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه رخ داد، و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی، و تصویب اولین قانون اساسی ایران شد.

از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار<sup>۷</sup> نارضایتی مردم از ظلم و ابستگان حکومت، رو به رشد بود. با توجه به تأسیس مدرسه دارالفنون توسط امیر کبیرفراهانی<sup>۸</sup> و آشنایی تدریجی ایرانیان با تحولات جهانی، اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون، و پایان حکومت استبدادی قوت گرفته بود. کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی<sup>۹</sup> که آشکارا انگیزه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- (متوفی ۱۱۱۵ قمری)

۲- (۱۱۱۷-۱۲۰۵ قمری)

۳- (۹۸۰-۱۰۴۵ قمری)

۴- (۱۲۸۵ شمسی)

۵- (۱۲۳۲-۱۲۸۵ شمسی)

۶- (۱۲۵۱-۱۳۰۴ شمسی)

۷- (۱۲۱۰-۱۲۷۵ شمسی)

۸- (۱۱۸۶-۱۲۳۰ شمسی)

۹- (۱۲۲۶-۱۲۷۵ شمسی)

خود را قطع ریشه ظلم، در نتیجه تعلیمات سید جمال‌الدین اسدآبادی دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه‌خواهی را سبب شد.

به طور کلی در جنبش مشروطه با توجه به اشتراک در هدف، بسیج مردم و توده‌ها علیه استبداد صغیری که در دوره قاجار به اوج خود رسیده بود، میان رهبران مذهبی و روشنفکران، نوعی اتحاد محسوس در حرکت ایجاد کرده بود؛ اتحادی که آیات عظام: میرزای شیرازی<sup>۱</sup>، سید جمال اسدآبادی<sup>۲</sup>، نائینی<sup>۳</sup>، سید عبدالله بهبهانی<sup>۴</sup>، سید محمد طباطبایی<sup>۵</sup> و شیخ فضل‌الله شهید<sup>۶</sup> را در صف مشروطه‌خواهان متقدم و متأخر قرار داده بود. گفتنی است پس از آشکار شدن بنیان اندیشه مشروطه‌خواهان مثل آخوندزاده<sup>۷</sup>، میرزا ملکم‌خان<sup>۸</sup>، سید حسن تقی‌زاده<sup>۹</sup>، ملک‌المتکلمین<sup>۱۰</sup>، و بقیه روشنفکران غرب‌زده، جنبه مذهبی که عمدتاً بسیج توده‌ها را رهبری می‌کرد، به موضع‌گیری در مقابل این دسته پرداخت، و خواهان «مشروطه مشروعه» شد.

برای تقریب موضوع، بخشی از فلسفه‌پیدایی جریان مشروطه را بیان می‌کنیم: شروع جنبش مردمی علیه حکومت قاجار، از ماجرای گران شدن قند در تهران ذکر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- (۱۲۷۳-۱۱۹۴ قمری)

۲- (۱۲۱۷-۱۲۷۵ قمری)

۳- (۱۲۴۰-۱۳۱۵ قمری)

۴- (۱۲۵۶-۱۳۲۸ قمری)

۵- (۱۲۵۸-۱۳۳۹ قمری)

۶- (۱۲۵۹-۱۳۲۷ قمری)

۷- (۱۱۹۱-۱۲۵۷ شمسی)

۸- (۱۲۴۰-۱۳۲۶ قمری)

۹- (۱۲۵۶-۱۳۴۸ شمسی)

۱۰- (۱۲۷۷-۱۳۲۶ قمری)

علاءالدوله - حاکم تهران - هفده نفر از بازرگانان و دو نفر سید را به جرم گران کردن قند، به چوب بست. این کار که با تأیید عین‌الدوله<sup>۱</sup> - صدر اعظم - انجام شد، اعتراض بازاریان و روحانیان و روشنفکران را برانگیخت.

لذا روحانیون در مجالس و در مساجد، به سخنرانی ضد استبداد و هواداری از مشروطه، و تأسیس عدالتخانه یا دیوان مظالم پرداختند، و درخواست برکناری عین‌الدوله و عزل مسیو نوز بلژیکی<sup>۲</sup> و حاکم تهران و حتی عسگر گاریچی به میان آمد، و اعتصاب در تهران فراگیر شد.

در این میان، عده‌ای از مردم و روحانیان به صورت اعتراض به حضرت عبدالعظیم رفتند، که در نتیجه منجر به این شد، که مظفرالدین شاه وعده برکناری صدر اعظم و تشکیل عدالتخانه را داد. هنگامی که شاه به وعده خود عمل نکرد، علما از جمله آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله بهبهانی به قم رفتند و تهدید کردند که کشور را ترک می‌کنند و به عتبات عالیات خواهند رفت؛ عده‌ای نیز در سفارت انگلیس متحصن شدند. (طلوعی، ۱۳۸۴)

متحصن شدن روحانیون در سفارت انگلیس در ایران، از عوامل آغاز انحراف جریان مشروطه قلمداد می‌شود، جایی که روشنفکران با منحرف کردن هدف اصلی گردهمایی مردم، با پناهنده کردن مردم و به خصوص روحانیون ناآگاه به سفارت انگلستان، هر چند بعدها امضای فرمان مشروطیت را گرفتند؛ اما مشروطیت منحرفی که در آن سر شیخ فضل الله نوری بر بالای دار رفت.

<sup>۱</sup> - (۱۲۲۴-۱۳۰۶ شمسی)

<sup>۲</sup>. Joseph Naus (1793-1871)

از دل همین مشروطه و مجلسی که فرمایشی تأسیس شده بود، حکومت قلدر، نظامی و دیکته شده انگلستان؛ یعنی به قدرت رسیدن رضاخان میرپنج<sup>۱</sup> شکل گرفت.

لذا بار دیگر بسیج مردم - هر چند این بار بسیار منسجم‌تر از قبل - سامان یافته بود، و تا مرحله اجبار بر پادشاه رسیده بود؛ اما باز هم شکست خورد؛ شکستی که این بار جریان روشنفکری غرب‌زده را نیز در دل خود پرورش داد؛ جریانی که در مقابل نیازهای مردم قرار گرفت، و از این به بعد به شکل رسمی، نیروی عظیمی از مردم صرف مقابله با انحرافات آن‌ها معطوف شد.

سید حسن تقی‌زاده؛ تنها یکی از مصادیق روشنفکری غرب‌زده است، که آن جمله مشهور را مطرح کرد، که:

برای این که پیشرفت کنیم، باید از فرق سر تا نوک انگشتان پا غربی شویم. (به نقل از ولیان، ۱۳۸۹)

با تأمل در برگه‌هایی از تاریخ که به میان آمد، به سادگی به دو نتیجه منطقی می‌رسیم:

۱- بسیج توده‌ها همان‌طور که از قبل بوده، در جریان مشروطه نیز به شکل گسترده

وجود داشته است؛

۲- این رویکرد تا حدودی نظام‌یافته، در نطفه خفه شد.

علت عمده ناکامی بسیج مردم در رسیدن به خواسته‌شان در این مقطع از تاریخ، همان

است که در قسمت بعدی پژوهش، و در بحث بسیج و انقلاب اسلامی، موجب پیروزی بر جبهه در مقابل اراده مردم شد، که توضیح خواهیم داد.

## ۵. بسیج و انقلاب کبیر اسلامی ایران

یکی از بهترین نمونه‌های عملی تحقق بسیج مردمی بالمعنی الاعم، دوره گذر از دفاع مقدس، و عهد گذار در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup> است. بسیج انقلابی؛ پدیده‌ای مبنایی برای هر انقلابی است.

دکتر بشیریه در این ارتباط می‌نویسد: اهمیت مشارکت گسترده توده‌ای و شکل‌گیری بسیج انقلابی به عنوان یک شرط اساسی و مرحله‌ای ضروری برای انقلاب، چندان است که در صورت فقدان و یا نقصان در آن، یا انقلابی به وقوع نمی‌پیوندد، و یا در صورت تحقق، وضع و ماهیت یک انقلاب واقعی را پیدا نخواهد کرد. (بشیریه، ۱۳۷۴)

در دوره گذاری که یکی از بهترین نمونه‌های بسیج مردمی در سایه‌سار رهبری مذهبی جهت مقابله با دشمنانی همگانی بود، رهبری بسیج مردم به دست فردی با اراده، شجاع، و مورد اعتماد مردم بود، که قادر به تصمیم‌گیری‌های بزرگ بود، و از تبعات آن نیز نمی‌هراسید. (جلایی‌پور، ۱۳۸۵)

در معرفی نقش بسیج در انقلاب کبیر اسلامی ایران، که پس از سال ۱۹۷۹ میلادی شکل و جلایی متفاوت به خود گرفته بود، مطالب بسیاری می‌توان جولان داد، که یک مصداق در ادامه، در راستای تبیین موضوع بیان خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین و تازه‌ترین مسائل مطرح شده، موضوع جنگ نرم و مقابله نرم‌افزاری است.

۱- (۱۳۵۷ شمسی)

جنگ نرم؛ شیوه غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، بدون تهدید یا پاداش ملموس است. در این مفهوم، آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. (نای، ۱۹۹۰)

در جنگ نرم که نقش قدرت بازدارنده و در عین حال هدایت شده گروه‌های متخاصم، که به دنبال حاکمیت استعمار فرانو<sup>۲</sup> هستند، در حد والایی نمود می‌یابد، نقش بسیج مردمی برای مقابله با این حرکت، بسیار مهم و البته سخت تحقق‌یافتنی است.

با توجه به نقش بسیج مردمی در انقلاب اسلامی و نمونه‌های مختلف اعم از: دفاع مقدس، شرکت در انتخابات، دستیابی به انرژی هسته‌ای و... انکار ناشدنی است، لیکن اهمیت نقش بسیج مردم در جبهه جنگ نرم، نیازمند دشمن‌شناسی، شناخت جبهه‌ها، و شناخت دوست و دشمن است، که در مقوله پدافند غیر عامل<sup>۳</sup>، بحث و بررسی می‌شود.

لذا یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند، و خود را در مقابل آن تجهیز کند. (امام خامنه‌ای، فروردین ۱۳۸۶)

بسیج مردم در جبهه جنگ نرم، نیازمند شناخت اصول عملیات روانی<sup>۴</sup> نیز می‌باشد. معمولاً از نقش تبلیغات در جنگ نرم غفلت می‌شود. تبلیغات تا آن‌جا می‌تواند مؤثر واقع شود، که حتی با تکرار و قدرت نفوذی که ایجاد می‌کند، می‌تواند امری غیر واقعی را واقعی و بالاتر از آن، حقیقی جلوه دهد.<sup>۵</sup>

1. Soft War

2. Colonial Ultramodern

3. Passive Defense

4. Principles of Psychological Operations

۵- حقیقت (Truth)؛ یعنی آنچه باید باشد، و واقعیت (Fact)؛ یعنی آنچه هست.

حقیقت مرتبه‌ای بالاتر از واقعیت است. به تعبیر فلسفی آن، حقیقت به باید‌ها می‌پردازد، و واقعیت به هست‌ها می‌پردازد. لذا ممکن است موضوعی واقعیت داشته باشد (عینیت یافته باشد)؛ اما حقیقت نداشته باشد؛ و مجاز باشد؛ مثل

لذا در تعریف عملیات روانی گفته می‌شود: عملیات روانی فعالیت‌هایی از پیش مشخص شده برای انتقال اطلاعات معینی به مخاطبین، با هدف تأثیرگذاری بر احساسات، انگیزه‌ها، اهداف و نیز تأثیر بر رفتار دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد خارجی است. (به نقل از جنیدی، ۱۳۸۹)

بنابراین، نقش بسیج مردمی در این موضوع بسیار دیر هضم، و سخت، قابل درک است؛ چه این که بسیج مردمی در جایی است که آگاهی عمومی نسبت به ضرورت موضوعی وجود داشته باشد.

- آیا در این موضوع و اکنون در جمهوری اسلامی، بسیج عمومی ایجاد شده است؟  
برای پاسخگویی به این پرسش، نیازمند جریان‌شناسی نقش گروه‌های مؤثر و شناخت نقش آن‌ها، و حرکت مردم به سمت پاسخ یافتن هستیم.

به اجمال می‌توان نقش بسیج مردمی در انقلاب کبیر اسلامی در مقابله با جنگ نرم را امری بنیادین و نسبی توصیف و تبیین کرد، با این فرض که در برخی امور موفقیت چشمگیر بوده؛ مثل وفای عمومی مردم به منظور حضور در صحنه‌های مهم نظام اعم از انتخابات، مشارکت حداکثری، راه‌پیمایی‌ها و تجدید پیمان با رهبر انقلاب در قالب دیدارهای عمومی و...؛ و البته در مواردی دیگر، موفقیت‌چندانی حاصل نشده است، که می‌توان از این موارد به ناتوانی در انتقال فرهنگ عمومی اسلام به جامعه، عدم شناخت ریشه‌ای مبانی دین و عدم ارتباط تنگاتنگ حوزه، دانشگاه و مردم و... اشاره کرد.

---

همچنین بازی رایج در غرب، اما عکس موضوع صادق نیست؛ یعنی نمی‌توان مسئله‌ای حقیقی را غیر واقعی قلمداد کرد، ولو این که ظهورش بر ما مشخص نباشد.

بنا به قواعد کلیات خمس در منطق، رابطه بین این دو، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر حقیقتی واقعیت دارد؛ بعضی واقع‌ها، حقیقی‌اند؛ بعضی واقع‌ها حقیقی نیستند. لذا در تعریف حقیقت گفته می‌شود: امر مطابق با واقع و نفس‌الامر. بنابراین، حقیقت - نه فهم ما از حقیقت - فی‌نفسه یکی است، و غیر قابل تغییر است.

غرض، بیان نسبی بودن موفقیت و ناکامی در ایجاد بسیج عمومی در کشور است. گفتنی است جدای از موانع و چالش‌های پیش رو که کم هم نبوده، و در مواردی بسیار خطرناک نیز هستند، به این واقعیت باید اشاره شود، که در عین حال، چرخ حرکت مبنایی اندیشه، عامل اصلی حفظ روحیه بسیج عمومی مردم بوده، که همواره در مسیری رو به رشد و متزاید بوده است؛ مسیری که چون ارتباط با قادر متعال در آن مشاهده می‌شود، همواره رو به سیلان بوده و خواهد بود؛ چه این که این مسیر - با پذیرش اشتداد آن - همواره در حال شدن است؛ چرا که این وعده، از سنن تخلف‌ناپذیر الهی است.

خدای متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصَرَّوْا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند، و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

به طور کلی هرگاه نقش بسیج در آئینه جمهوری اسلامی را بررسی می‌کنیم؛ به دوره‌ای افتخارآمیز، بی‌همتا و نادر می‌رسیم، دوره‌ای که در آن به واسطه پیوند آسمانی و ارزشی مردم با مبنای اشتراک‌آمیز در هدف، به عهدی تاریخی در کشور، و بلکه در دنیا تبدیل شده، به طوری که ضمن تأکید بر مدعای خود که در پی اثباتش برآمدم و آن این که، بسیج همواره در طول تاریخ کشور وجود داشته است؛ اما هیچ‌گاه به آن سیاقی که در انقلاب کبیر اسلامی معنا یافت، تبدل و نشو و نما نیافت.

لذا بسیج تعریف مشخصی دارد: آحاد مردمی، که با هدف والای الهی و با روحیه خستگی‌ناپذیر، وسط میدان، هر جایی که لازم باشد حضور پیدا می‌کنند، استعداد خودشان



را بروز می‌دهند، آنچه دارند در صحنه می‌گذارند، و از خطرات این راه هم نمی‌ترسند؛ یعنی جانشان را کف دست گرفته‌اند... این مخصوص انقلاب اسلامی، و مربوط به جمهوری اسلامی است. (امام خامنه‌ای، آذر ۱۳۹۴)

بنابراین، مطلب را می‌توان در یک جمله به این شکل نوشت: ولادت بسیج، قبل از ولادت انقلاب است؛ اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی... تولد یافت. بنابراین می‌توان بسیج را همزاد انقلاب معرفی کرد. (همان، مهر ۱۳۹۱)

## ۲- یافته‌ها

### جدول شماره ۱) یافته‌های تحقیق

ردیف	بسیج در ادوار مختلف	شرح مختصر
۱	بسیج و قوم ماد	مادها قومی ایرانی بودند از تبار آریایی، که در بخش غربی فلات ایران ساکن شدند. عمده‌ترین ویژگی دولت ماد در بهره‌گیری سازمان‌یافته از بسیج توده‌ای، تحت رهبری واحد دیاکو بود، که توانستند به ایجاد دولت مرکزی قدرتمند، و تشکیل ایران یکپارچه برسند.
۲	بسیج و حکومت هخامنشیان	هخامنشیان به عنوان نخست پادشاهان بومی پارس محسوب می‌شدند. از دل احترام به قوانین بود، که حکومت هخامنشی با بسیج توده‌های عمومی مردم، توانست سال‌ها به بقای حکومت خود بپردازد.
۳	بسیج و حکومت صفویان	صفویان؛ به عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های پادشاهی بعد از اسلام، با رسمیت دادن و حاکمیت مذهب از سویی، و احترام و تکریم علما و صاحبان فکر و اندیشه از طرف دیگر، توانستند با گسیل فرهنگ دولت-ملت، به بسط بسیج مردمی بپردازند.
۴	بسیج و جنبش مشروطه	جنبش مشروطه مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی است، که در دوره مظفرالدین شاه و سپس در دوره محمدعلی شاه، برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه رخ داد. به طور کلی در جنبش مشروطه با

<p>توجه به اشتراک در هدف، بسیج مردم و توده‌ها علیه استبداد صغیری بود، که در دوره قاجار به اوج خود رسیده بود.</p>	
<p>یکی از مهم‌ترین و تازه‌ترین موضوعات مطرح شده در نقش بسیج در انقلاب کبیر اسلامی، موضوع جنگ نرم و مقابله نرم‌افزاری است. اهمیت نقش بسیج مردم در جبهه جنگ نرم، نیازمند دشمن‌شناسی، شناخت جبهه-ها، شناخت دوست و دشمن و نیز اصول علمیات روانی است. به طور کلی بسیج، هیچ‌گاه به آن سیاقی که در انقلاب کبیر اسلامی معنا یافت، در طول تاریخ تبدیل و نشو و نما نیافت.</p>	<p>۵ بسیج و انقلاب کبیر اسلامی ایران</p>

### نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این پژوهش، پس از بیان مراحل مختلف ادوار تاریخی نقش بسیج مردمی، به بیان ضرورت تاریخی این حرکت، مبتنی بر فلسفه تاریخ پرداخته شد. از مزیت‌های این پژوهش، این که مقاله حاضر چه هدفی داشته، و کاربرد آن در دنیای واقع چیست، که به طور پراکنده و اجمالی در لایه‌های مقاله توضیح داده شد. بنا به یافته‌های پژوهش، این که نقش بسیج مردمی را در گروه و زمانه‌ای خاص تلقی کنیم، ذبح تاریخ آن است. این مدعا را ثابت کردیم، که حضور بسیج به موازات تاریخ تشکیل اجتماعات بشری بوده است، لذا بسیج، ریشه در تاریخ تشکیل اجتماعات دارد، که با روشن شدن این بحث می‌توان از انحصار‌گرایی‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی، جلوگیری کرد.

عرصه بسیج یک عرصه عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیایی کشور است، نه مختص یک زمانی دون زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ای دون عرصه دیگری است. در همه جاها، در همه مکان‌ها، در همه

زمان‌ها، در همه عرصه‌ها و در همه قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است. (امام خامنه‌ای، تیر ۱۳۸۹)

بنابراین با توجه به رویکرد تحلیلی و فلسفه تاریخی، که در این مقاله دنبال کردیم، به نظر می‌رسد باید به این حقیقت گردن نهیم، که بسیج، متعلق به جریان یا گروهی نبوده، و در ابتدای تشکیل جامعه بوده است، و البته باید در ادامه به حقیقتی دیگر تصریح ورزیم، که بهترین دوران و اوج نمایان شدن تفکر ناب بسیج که ممزوج با ارزش‌های دینی - الهی شد، محصور در دوره انقلاب کبیر اسلامی است، که انصافاً در هیچ دوره از ادوار تاریخ به این کیفیت و شکل، نه مشاهده شده، و نه حتی احساس شده است؛ و این موهبتی از ناحیه تمسک به دین حنیف است. چرا که دین، قدرت بسیج‌گری خویش را در حرکت‌های توده‌گیر تاریخ میانه، به خوبی نشان داده است. (شجاعی زند، ۱۳۸۳)

به نظر می‌رسد با ایجاد مرکزی علمی - پژوهشی با ساختار، قانون و الگوی برنامه‌ریزی، و مدیریت مناسب جهت تئوریزه کردن مؤلفه‌های نظری تفکر بسیج، که مردم را به تکاپو جهت نیل به وضع مطلوب می‌کشاند، و نیز ارائه راهکارهای عملیاتی آن تفکر، در مدیریت زیرساخت‌ها و راهبردگرایی در کشور، به صورت مستقل و توسط نخبگان جامعه با چتر حمایتی حاکمیت، می‌توان انتظار تسریع در روند گذار به پیشرفت و عدالت فراگیر داشت. ضمن این که یکی از دیگر از وظایف این مرکز، می‌تواند زدودن اضافات غیر قابل حقیقی به ماهیت معنای بسیج و ماهیت تفکری آن باشد. در هرم زیر سعی شده سه وظیفه عمده این مرکز پیشنهادی، تبیین شود:

## نمودار شماره ۱) مرکز علمی- پژوهشی نهاده‌سازی تفکر بسیج عمومی به بدنه اجتماع



با توجه به جذابیت مباحث تاریخی و گستردگی آن‌ها از یک طرف، و تلاش‌های کمتر صورت گرفته به شکل نظام‌مند و ساختاری از طرف دیگر، در حین نگارش مقاله حاضر، به موضوعات بدیعی رسیدیم، که کار در آن حوزه‌ها با توجه به خلأ مشاهده شده، پیشنهاد می‌شود. از جمله پیشنهادهایی که می‌توان برای کارهای بعدی ارائه داد، عبارت است از:

- ۱- بررسی ارتباط آریایی‌ها با پارس‌ها؛
- ۲- بررسی حکومت‌های قبل از مادها و نقش مردم در قبال آن حکومت‌ها با تأکید بر نقش سکاها؛
- ۳- بررسی ابعاد تفکر بسیج عامه مردم در به دست گرفتن قدرت در ادوار ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران؛
- ۴- تبیین تاریخ پیدایش بسیج در ایران طبق سرگذشت‌های تاریخی اقوام غیر ایرانی.

## منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج الفصاحه.
- ۳) امام خمینی (۱۳۶۴). **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۵.
- ۴) سخنرانی امام خامنه ای، برگرفته از تارنمای [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)
- ۵) اختریان، سید محمود (۱۳۸۶)، **اطلاعات عمومی پیام**، چاپ ۱۵، تهران: انتشارات عالمگیر.
- ۶) بازرگان، عباس؛ سرمد، زهره و حجازی، الهه (۱۳۸۸). **روش های تحقیق در علوم رفتاری**، چاپ ۱۷، تهران: انتشارات آگاه.
- ۷) بشیریه، حسین (۱۳۷۴). **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸) پورموسوی، سید محمد علی (۱۳۹۵). «تشیع و دوران نظام سازی مذهبی و سیاسی (از زمان شکل گیری تا پایان دوره خلافت عباسی)»، **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۲۸۴-۲۶۳.
- ۹) جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). «تبیین فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷-۱۳۵۶ بر اساس سرمشق انتخاب عقلانی و نظریه بسیج منابع»، **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷-۵۶.
- ۱۰) جنیدی، رضا (۱۳۸۹). **تکنیک های عملیات روانی و شیوه های مقابله**، مشهد: انتشارات به نشر.
- ۱۱) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). **فرهنگ لغت**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲) شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳). «نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلابی؛ بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران»، **فصلنامه جامعه شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۶۶-۲۸.
- ۱۳) شعبانی، رضا (۱۳۸۷). **مبانی تاریخ اجتماعی ایران**، چاپ ۸، تهران: انتشارات قومس.
- ۱۴) طلوعی، محمود (۱۳۸۴). **داستان انقلاب**، چاپ ۶، تهران: نشر علم.
- ۱۵) غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱). **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه**، تهران: انتشارات سمت.

- ۱۶) فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۱۴)، **شاهنامه**، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: چاپخانه بروخیم.
- ۱۷) فروزان‌فر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات ایران**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸) گیرشمن، رومن (۱۳۸۰). **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمد معین، چاپ ۱۳، تهران: انتشارات عملی و فرهنگی.
- ۱۹) معطوفی، اسدالله (۱۳۸۲). **تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران: جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی**، تهران: انتشارات ایمان.
- ۲۰) **منشور حقوق بشر کوروش**، کتابخانه ملی انگلستان.
- ۲۱) میخائیلوویچ دیاکونوف، ایگور (۱۳۴۵). **تاریخ ماد**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۲) میخائیلوویچ دیاکونوف، میخائیل (۱۳۸۰)، **تاریخ ایران باستان**، ترجمه روحی اریاب، چاپ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۳) ولیان، میلاد. «تحفه فرنگی روشنفکران غرب زده»، **روزنامه رسالت**، شماره ۷۲۲۲.
- 24) Nye., Joseph, S (1990). **Soft Power: the Means to Success in World Poliics**, New York: Public Affairs.
- 25) <http://www.farhangsara.com>
- 26) <http://www.fis-iran.org>
- 27) <http://www.hawzah.net>
- 28) <http://www.naaji.ir>
- 29) <http://fa.wikipedia.org>